

اصول حقوقی حاکم بر نظام اجرایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از منظر بخش عمومی)

علی محمد قلی‌ها^۱

اهمیت قانون اساسی به عنوان یک سند ملی مهم، ضرورت پرداختن به آن را به لحاظ حقوقی و سیاسی دو چندان می‌نماید. قانون اساسی یک نظام مفهومی بسیار پیچیده و دارای لایه‌های پنهان است. تجربه دو سده اخیر بیانگر این است که این مفهوم دارای اصول و لایه‌های نانوشته‌ای است که در عمل و اجرا نمایان خواهد شد. این مقاله به منظور دستیابی به اصول حقوقی حاکم بر نظام اجرایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ابتدا هر یک از اصول مرتبط را مورد بررسی قرار داده و در ادامه بر اساس منابع دینی و محتوای اصول یادشده به تشریح و تفسیر آن می‌پردازد. اصول اساسی قانون اساسی در حوزه اجرایی با نگاهی شفاف و دقیق مسئولیت‌های اجرائی کشور را تعیین و تقسیم نموده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، اصول مبنایی در این حوزه همگی مستند به آیات و روایات و برآمده از منابع اسلامی و متناسب با ساختارها و شرایط جامعه اسلامی ایران تدوین شده‌اند.

کلیدواژه: نظام اجرایی، قانون اساسی، اصول حقوقی، آیات و روایات

^۱ معاون امور اجرایی و پشتیبانی دیوان محاسبات کشور و دانش پژوه دوره PostDBA سازمان مدیریت صنعتی، ایمیل:

a.gholiha@gmail.com

قانون اساسی عالی‌ترین قانون هر کشوری است و حکومت بدون آن یک قدرت نامشروع است. همچنین قانون اساسی از مهم‌ترین ارکان حقوق اساسی و از مفاهیم دشوار و پیچیده نظریه‌های حقوق اساسی است. قانون حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی انسان‌ها را معین می‌کند و نمی‌تواند از ارزش‌های حاکم بر جامعه فاصله داشته باشد. حقوق هر ملتی نماینده مدنیت و اخلاق ویژه مردم آن است. با انقلاب امریکا و فرانسه مفهوم قانون اساسی تغییر کرد و معنای جدیدی از آن به عنوان سندی مكتوب برای دفاع از حق‌های بنیادین مطرح شد که سندی دنیوی و حداقلی است که اراده مردم در آن مهم است (Prutsch، ۲۰۱۳:۲) و برای تأسیس مجموعه نهادهای حکومتی به کار می‌رود. نقشی را که قانون اساسی در نظام حقوقی ایفا می‌کند، دیگر متون قانونی نمی‌توانند ایفا کنند.

از سویی، تفسیر قانون اساسی از مهم‌ترین تأسیسات حقوقی در نظام حقوق اساسی کشورهاست و در بسیاری از نظام‌های حقوقی نهاد مشخصی عهده‌دار اعمال این صلاحیت شده است. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۶۲) در زمینه تفسیر قانون اساسی رویکردهای گوناگونی مطرح شده و نظریه‌ای رقیب نقد و بررسی شده است. از طرفی روش‌هایی متعدد برای چگونگی انجام تفسیر قانون اساسی تعرفه و تجویز می‌شود. عده‌ای نیز در خصوص نفس مشروعیت نهاد تفسیر قانون اساسی تردیدهایی ابراز نموده‌اند و این تردیدها مبتنی بر نگرانی از نقض تفکیک قوا به واسطه ورود مفسر به دایره تقنین، سوء استفاده از صلاحیت تفسیر قانون اساسی، نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان است؛ بنابراین سؤال مهم این است که در تفسیر اصول قانون اساسی اصول حقوقی مبتنی بر آن کدام‌اند و این اصول از چه روشی استخراج خواهد شد.

تبع در منابع حقوقی مرتبط به‌ویژه منابع فارسی نشان از خلأ روش‌های تفسیر قانون خصوصاً درباره قانون اساسی است. متون موجود نیز بیشتر به بررسی مواضع تفسیر یعنی ابهام، اجمال، تعارض و نقض قانون است نه ضرورت تفسیر قانون اساسی. علاوه بر استدلال‌هایی که مؤید لزوم و ضرورت تفسیر قانون در معنای مطلق آن است، بررسی قانون اساسی نشان از وجود ویژگی‌های خاصی دارد که ضرورت و اهمیت ویژه تفسیر این قانون و همچنین روش‌شناسی آن را به لحاظ محتوایی دوچندان می‌نماید. (کدخدایی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۴)

برخلاف قوانین عادی، قوانین اساسی عموماً در بردارنده موضوعات واحد دارای صیغه اخلاقی‌اند تا جایی که داشتن «مضمون اخلاقی» به منزله یکی از خصوصیات عمده قوانین اساسی نام برده شده است. حال سؤال اساسی پژوهش حاضر این است، با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی و مبانی حقوقی حاکمیتی آن بر مبنای شرع مقدس اسلام و نظام تشیع بنا نهاده شده است، روش تفسیر قانون اساسی مبتنی بر آیات و روایات تا چه حد می‌تواند مبنا قرار گیرد؟ اصول حقوقی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ اگر قرار باشد بر نظام اجرایی به عنوان یک مؤلفه اساسی در قانون اساسی نگریسته شود، اصول حاکم بر این نظام اجرایی در قانون اساسی کدام‌اند؟

تعریف مفاهیم

اصول حقوقی:

در حقوق موضوعه، در مواردی اصطلاح «اصول حقوقی» به کار رفته است (ماده ۹ آ.د.م). در بعضی موارد با اصطلاحاتی مشابه نظیر اصول و قواعد آمره «بند ۹ ماده ۹۷۹ قانون مزبور» و اصول و مقررات قانون مزبور از همین مفهوم یاد شده است. این اصطلاحات دارای معنا و مفهوم خاصی در قلمرو علم حقوق هستند که شناخت آن و همچنین شناخت پاره‌ای از اصطلاحات مشابه، برای درک حقوق موضوعه و تفسیر قواعد و مقررات آن ضروری است. در متون حقوقی فراوانی از این اصطلاحات استفاده شده است اما همه نویسندگان در مفهوم این اصطلاحات، برداشت یکسانی ندارند. لذا پاسخ به این سؤالات که اصل حقوقی چه مفهوم و جایگاهی در حقوق موضوعه دارد؟ تفاوت اصل حقوقی با قاعده حقوقی در چیست؟ اهمیت زیادی دارد. با توجه به اینکه، در همین خصوص، بحث‌های مشابهی در حقوق فرانسه وجود دارد.

قانون اساسی:

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور، تعیین کننده نظام حاکم و راهنمایی تنظیم قوانین دیگر است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در ۲۴ آبان ۱۳۵۸، توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل تدوین شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ در یک همه‌پرسی با ۹۹/۵ درصد آراء، تصویب شد. ده سال بعد، در سال ۱۳۶۸ پس از حکم امام خمینی (ره) به رئیس‌جمهور وقت (سید علی خامنه‌ای)، تغییراتی در قانون اساسی ایجاد شد و بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۸، متعاقب همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی با رأی مثبت ۹۷/۵ درصد از شرکت‌کنندگان در ۱۷۷ اصل، به تصویب نهایی رسید.

مبانی حاکم بر اصول حقوقی

شناخت مفهوم اصل حقوقی مستلزم شناخت معنای واژگان به کار رفته در این ترکیب اصطلاحی است. در فرهنگ‌های لغت گفته شده است: «اصل» به معنای بیخ و یا بنیاد و هر آنچه وجود آن بسته به وی باشد، است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۶۸/۱) اما از نظر اصطلاحی عموماً، واژه «اصل» را در یکی از معانی زیر بکار برده شده است:

به معنای بن و ریشه چیزی: در اینجا، «اصل» در برابر «فرع» قرار دارد و به معنای پی و بنیاد چیزی گفته می‌شود که فروع بر آن قرار می‌گیرد. فرع، بر خلاف اصل، چیزی است که بر غیر خود بنا می‌شود. در ترکیب اصطلاحی «اصول فقه»، واژه اصول در این معنا به کار رفته است؛ زیرا علم اصول فقه، برای علم فقه اصل است و فقه، فرع بر آن است. «قاعده» به حکم عامی گفته می‌شود که همه موضوعات خود را در برمی‌گیرد. ولی هر قاعده عامی ممکن است دچار تخصیص شود و حکم خاص، پاره‌ای از موضوعات را از شمول حکم خارج کند. حکم عام، اصل است و حکم خاص، استثناء بر آن است. مثل اصل لزوم عقد که متضمن این حکم است که هر عقدی لازم است مگر اینکه جواز آن به اثبات برسد.

در ترکیب اصطلاح «اصل حقوقی»، واژه «اصل» در معنای نخستین بکار رفته است، یعنی در معنایی که با «فرع» تقابل دارد؛ بنابراین، آنچه بنیاد را تشکیل می‌دهد، اصل است و آنچه بر این بنیاد مبتنی است، فرع است. اصل در اینجا به معنای ریشه و بنیاد چیزی است که فروعات بر آن مبتنی می‌شود؛ اما واژه «اصل» در معنای دوم آن بیشتر در قلمرو قواعد حقوقی استعمال می‌گردد؛ یعنی جایی که قانون‌گذار، قاعده عامی را بیان کرده و سپس با حکمی استثنایی، مصادیقی را از شمول آن حکم عام، خارج کرده است. در این حالت، به حکم عام، اصل و به حکم خاص، استثناء گفته می‌شود؛ و منظور از واژه «حقوقی» در ترکیب اصطلاحی مزبور، «حقوق موضوعه» است؛ یعنی اصلی که در قلمرو حقوق موضوعه می‌تواند قابل استناد باشد. (حیاتی، ۱۳۹۵)

در حقوق ایران بحث‌های مبسوط و درخور توجهی در خصوص مفهوم اصول حقوقی دیده نمی‌شود. معدودی از حقوق‌دانان این مقوله را به صورت مختصر مورد بررسی قرار داده‌اند. بعضی گفته‌اند: «اصول کلی حقوقی، قواعدی کلی‌اند که در تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده‌اند و شامل اساسی‌ترین احکام حقوقی‌اند و بر تمام احکام جزئی حقوق حاکم‌اند» (جعفری تبار، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این تعریف از اصول حقوقی علیرغم اینکه کامل‌تر از تعاریف دیگر است، ولی از جنبه‌های مختلفی قابل انتقاد است؛ زیرا فقط به ویژگی عمومی و کلی بودن اصول حقوقی اشاره می‌کند. این در حالی است که تعداد زیادی از قواعد حقوقی نیز دارای چنین ویژگی هستند؛ یعنی تعداد زیادی از قواعد حقوقی مورد پذیرش عموم نظام‌های حقوقی قرار گرفته‌اند و در عین حال قلمرو موضوعی عام‌تری نسبت به سایر احکام دارند. بعضی دیگر از حقوق‌دانان در تعریفی مشابه گفته‌اند: «اصول حقوقی، اصولی کلی و دائمی هستند که منشأ وضع چند قاعده جزئی و نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر جامعه به شمار می‌آیند» (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۳). این تعریف بی‌شابهت با تعاریف قبلی نیست و به درستی، بر دو ویژگی مهم اصول حقوقی یعنی کلی و دائمی بودن تأکید دارد. قسمت اخیر تعریف دقیق به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً قاعده حقوقی به قاعده جزئی و کلی تقسیم نمی‌شود. قاعده حقوقی همیشه کلی است. اگر گفته می‌شد اصول حقوقی منشأ وضع قواعد حقوقی‌اند، بی‌اشکال به نظر می‌رسید.

اصول اجرایی حاکم بر قانون اساسی

الف- برگزاری همه‌پرسی و قانون اساسی

نظام جمهوری اسلامی ایران به تصریح اصل اول قانون اساسی محصول اراده سیاسی ملت است که در یک میثاق ملی به ایجاد قانون اساسی پرداخته‌اند. به همین دلیل ملت را در جایگاه خالق نظام سیاسی قرار داده است به نحوی که قدرت و اراده ملت همواره در بالاترین جایگاه نظام سیاسی قرار دارد. این جایگاه به نحوی است که حاکمیت واحد از آن استنباط می‌شود. (دبیر نیا، ۱۳۹۶: ۶۹)

بنا بر اصل اول قانون اساسی: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (ره)، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت

هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

«برگزاری همه‌پرسی» در این ماده به عنوان یک اصل مهم اجرایی مورد توجه قرار گرفته است که در کنار «رهبری مرجع عالی‌قدر» به عنوان امر مهم در اداره کشور در قانون برشمرد می‌شود. در اصل اول قانون اساسی نوع حکومت، بر اساس انتخاب مردم جمهوری اسلامی تعیین شده است که از مهم‌ترین ویژگی‌های این حکومت توجه به حق و عدل است.

اصل ششم^۲، هفتم^۳ و یکصد^۴ قانون اساسی نیز به نحوی به این مهم پرداخته است و می‌توان در رابطه با مؤلفه‌های اجرایی قانون اساسی بدان‌ها اشاره نمود.

نوع حکومتی که ملت ایران از طریق همه‌پرسی برای خود برگزیده‌اند، جمهوری اسلامی است. «جمهوری» ناظر بر شکل حکومت است و به معنای نوعی از حکومت است که مردم در انتخاب زمامداران و امور سیاسی مشارکت فعال داشته باشند و «اسلامی» ناظر بر محتوای حکومت است، بدین معنا که قواعد و مقررات وضع شده باید با شرع مقدس مطابقت داشته باشند؛ بنابراین تضادی که در دو واژه «جمهوری» و «اسلامی» مشاهده می‌شود، ظاهری است. (هاشمی، ۱۳۹۲) این نوع حکومت یعنی جمهوری اسلامی طرحی بود که از سوی امام خمینی پیشنهاد گردید و در روزهای ۱۱ و ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و با اقبال عمومی یعنی با اکثریت ۹۸/۲٪ رأی مثبت مردم مواجه گردید. جمهوری حکومتی است که بر اساس مشارکت همگانی، آزادی‌های عمومی و خصوصی و تصمیم اکثریت از طریق آزادی، احترام و برخورد اندیشه‌های متفاوت شکل می‌گیرد و لازمه آن تحمل همزیستی و مشارکت متقابل همه افراد جامعه همراه با آزادی عقیده و بیان و تعددگرایی سیاسی است و بدون این شرایط، حکومت وصف جمهوری بودن خود را از دست می‌دهد، از سوی دیگر محتوای حکومت دستورات

^۲. در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

^۳. طبق دستور قرآن کریم: (وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (و) شَاوِرُهُمْ فِی الْأَمْرِ، شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

^۴. برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

ثابت و لایتغیری است که آرا و اندیشه‌های مردم در مقابل آن‌ها فاقد ارزش و اعتبار است، این دستورات عمومی لازم‌الرعايه جامعه را از پراکندگی نجات می‌دهد و در برابر اختلافات فکری حفاظت می‌نماید. (همان)

ب- حاکمیت خداوند و شاخص‌های اداره حکومت

در اصل دوم قانون اساسی حاکمیت خداوند، نقش وحی الهی در بیان قوانین، معاد، عدل الهی، امامت و رهبری مستمر، کرامت و ارزش‌های والای انسان، اجتهاد مستمر فقهای واجد شرایط به عنوان مؤلفه‌های اساسی مدنظر قرار می‌گیرد.

اصل دوم قانون اساسی بیانگر این است که: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ عدل خدا در خلقت و تشریع؛ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه: اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین؛ استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها؛ نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

به آیات مختلفی در این رابطه می‌توان اشاره نمود. آیه ۲۵۵ سوره بقره^۵ بحث یکتایی خداوند متعال و احاطه بر امور آسمان‌ها و زمین را بیان نموده است و در آیاتی از سوره نمل^۶ و محمد^۷ نیز یگانگی و یکتایی خداوند متعال یادآوری می‌گردد. در بند سوم همین اصل بر «معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا» اشاره شده است و ناظر به همین مباحث می‌توان به آیات کلام الله مجید در این رابطه^۸ اشاره نمود.

°. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (بقره/۲۵۵)

خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن‌ها بر او دشوار نیست و اوست والای بزرگ.

۶. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (نمل/۲۶)

خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست پروردگار عرش بزرگ است.

۷. فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُوا لِذَنبِكُمْ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (محمد/۱۹)

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] و خداست که فرجام و مال [هر یک از] شما را می‌داند.
۸. آیات در خصوص معاد و روز قیامت:

الف:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

ویهودیان گفتند: نصرانی‌ها بر آیین و روش درستی نیستند و نصرانی‌ها گفتند: یهودیان بر آیین و روش درستی نیستند، در حالی که همه آنان کتاب [آسمانی] را می‌خوانند [که هر دو آیین در زمان مخصوص به خود درست و بر حق بوده] کسانی که نادانند [هم چون مشرکان] سخنی مانند سخن آنان [درباره آیین مسلمانان] گفتند؛ پس خدا روز قیامت در میان آنان درباره آنچه با هم اختلاف می‌کردند، داوری می‌کند.

در بند ششم این اصل به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» پرداخته شده است. همین بندها برخاسته از اصول مهمی از قرآن کریم است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آیاتی در خصوص کرامت انسانی پرداخت.^۹

ب:

وَأَتَيْنَاهُمُ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و دلایل روشنی در امر نبوت و دین در اختیار آنان قرار دادیم، پس آنان (در امر نبوت و دین) اختلاف نکردند مگر پس از آنکه [به وسیله وحی] دانش و آگاهی برای آنان آمد، اختلافشان از روی حسادت و برتری‌جویی در میان خودشان بود؛ بی‌تردید پروردگارت روز قیامت درباره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد.

ج:

وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (اسرا/۱۳)

و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم.^{۱۰} آیه مربوط به کرامت انسانی:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسرا/۷۰)

و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید/۲۵)

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازوی [تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

در سایه چنین اصولی است که اهداف اساسی و مبنایی نظام جمهوری اسلامی تعیین و اجرا می‌شوند:

اهداف بنیادین نظام جمهوری اسلامی شامل: «قسط و عدل»، «استقلال سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «همبستگی ملی» است. همچنین راه‌های وصول به اهداف نیز سه مورد است:

الف) اجتهاد مستمر بر اساس قرآن و سنت، فعل، قول و تقریر چهارده معصوم (س) که همانا فقه اهل بیت پویا می‌باشد و پاسخ همه حوادث و مسائل نوظهور را برای همه عرصه‌ها از جمله تقنینی و اجرایی دارد.

ب) استفاده از دانش روز برای حل مسائل در همه سطوح شامل قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی

ج) رویکرد ظلم نکردن و ظلم نپذیرفتن در همه عرصه‌های اندیشه و باور عملکرد و در تقنین و اجرا و قضا و سایر ارکان نظام.

ج- اهداف دولت و قانون اساسی

اصل سوم قانون اساسی در اصل شرایط و ملزومات مستحق کردن مواردی را دنبال می‌کند که در اصل دوم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. طبق اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی

۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر

۳- آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

۵ - طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب

۶ - محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی

۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

۸ - مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش



۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی

۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور

۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور

۱۲- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه

۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها

۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون

۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم

۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.»

این اصل به وظایف دولت جمهوری اسلامی ایرانی به‌منزله رأس نظام اجرایی کشور اشاره می‌نماید. علاوه بر امور اخلاقی و افزایش سطح آگاهی‌های افراد، آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی رایگان، افزایش ابتکار در زمینه‌های علمی، طرد استعمار و محو استبداد، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت در تعیین سرنوشت، رفع تبعیضات، ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور، موارد دیگری نیز از جمله: تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و ...، تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام مورد تأکید قرار می‌گیرد.

همان‌طور که اشاره شد، اصول حقوقی قانون اساسی را می‌توان بر مبنای آیات قرآن کریم استخراج نمود و این اصل نیز با آیات و روایات متعددی مستند و مستحکم شده است.^{۱۰} آیات مرتبط با استبداد و انحصارطلبی^{۱۱}، تقویت بنیه دفاعی^{۱۲}، رفع فقر و برطرف ساختن محرومیت^{۱۳} از جمله این موارد هستند.

۱۰. اَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ اَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۹)

بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند.

۱۱. فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَلْذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتِلُوا وَقَتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ. (آل عمران/۱۹۵)

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباہ نمی‌کنم پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شورا/۸۳)

پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن.

۱۲. وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا اللَّهَ وَعَدُواكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ. (انفال/۶۰)

و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلت جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقان‌اند که ظاهراً مسلم و باطناً کافر محض‌اند) و خدا بر آن‌ها آگاه است. و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.

۱۳. الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

د- رهبری ملت و قانون اساسی

ولایت امر و امامت امت در عصر غیبت

اصل پنجم قانون اساسی، امامت و ولایت فقیه را در عصر غیبت، شاخص اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند و مفاد آن نهادینه شدن مذهب در قالب امامت و ولایت فقه‌هاست و مبین فلسفه وجود جمهوری اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۷)، البته در دوره غیبت امام معصوم (ع) اصل عدم ولایت (بدین معنا که هیچ‌کس بر دیگری ولایت ندارد)، به قوت خود باقی است مگر آنکه شخصی با دلیل شرعی از این اصل خارج شده باشد. اغلب فقهای شیعه معتقدند بر اساس دلایل عقلی و نقلی، اراده و تدبیر خداوند در این است که در زمان غیبت معصوم (ع)، فقهای جامع‌الشرایط وظیفه زعامت امت اسلامی را بر عهده گیرند. (ارسطا و بهادری جهرمی، ۱۳۹۳) با افزودن این نکته اساسی که تنزل اشتراط مرجعیت به معنای تنزل مرتبه فقاقت و اجتهاد نیست، بلکه اهمیت رهبری جامعه اقتضا می‌کند که فقیه اعلم به موضوعات فقهی و سیاسی، زمام امور جامعه را بر عهده بگیرد. (هاشمی، ۱۳۹۱)

این اصل بیانگر این است که «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.»^{۱۴}

شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد، و به فحشا و زشتی‌ها امر می‌کند، ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد، و خداوند، قدرتش وسیع، و به هر چیز داناست. (به همین دلیل، به وعده‌های خود، وفا می‌کند).

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات/۱۰)

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/۱۰۳)

به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید.

۱۴. وَيَسْتَنْبِئُونَكَ بِأَقْحَقِّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (يونس/۵۳)

بگو آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند بگو خداست که به سوی حق رهبری می‌کند پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید.

فرآیند انتخاب رهبری

با توجه به همه اشکالاتی که بر ولایت همزمان همه فقها وارد است، عاقلانه‌ترین راه تعیین رهبر واحد خواهد بود. برای تعیین رهبر سه راه الهی، فردی و مردمی وجود دارد. نصب زمامدار در زمان غیبت معصوم (ع) توسط خداوند میسر نیست، پدیداری زمامداران از طریق سلطه نیز مذموم است، اما دخالت مردم در تعیین زمامدار به هر نحو ممکن امری عقلایی و پذیرفته شده است. در زمان غیبت، فقیه واجد شرایط به دو صورت برای اعمال ولایت انتخاب می‌شود: صورت اول اینکه مردم در یک انتخاب عمومی مستقیماً به انتخاب رهبر بپردازند که باید گفت شناخت شرایط ذاتی و بالقوه رهبر برای مردم عادی دشوار است و صورت دوم که مردم افراد خبره و متخصص را به نمایندگی از سوی خود تعیین نمایند تا در یک مجلس نمایندگی فقیه واجد شرایط انتخاب شود. (هاشمی، ۱۳۹۱)

«پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.» (اصل ۱۰۷ ق.ا)

آیات مختلفی مؤید این اصل خواهد بود.^{۱۵} در زمینه حاکمیت خداوند بر تمامی امور و رهبری از سوی حق^{۱۶}، آثار سوء حاکمیت طاغوت و ناهلان^{۱۷} و عدالت در داوری میان مردم^{۱۸} بر مواردی تأکید شده است.

۱۵. وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

پیغمبرشان به آن‌ها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از اویم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست.

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (یونس/۵۳)

بگو آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند بگو خداست که به سوی حق رهبری می‌کند پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

پیغمبرشان به آن‌ها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از اویم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. (نساء/۵۸)

شرایط، صفات، وظایف و اختیارات رهبر جمهوری اسلامی ایران

از سویی در رابطه با این اصول در اصل ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفاتی برای رهبر برشمرده شده است. «صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه»، «عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام»، «بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری». همچنین خاطر نشان شده است، که در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

وظایف و اختیارات رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز بنا بر اصل ۱۱۰ قانون اساسی بیانگر این است: «تعیین سیاست‌های کلی نظام»، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام»، «فرمان همه‌پرسی»، «فرماندهی کل

خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید یقیناً. [فرمان بازگرداندن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می‌کند؛ بی تردید خدا همواره شنوا و بیناست.

^{۱۶}. در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

^{۱۷}. وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

پیغمبرشان به آن‌ها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از او بییم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست.

^{۱۸}. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. (نساء/۵۸)

خدا قاطعانه به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید یقیناً. [فرمان بازگرداندن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شما را به آن موعظه می‌کند؛ بی تردید خدا همواره شنوا و بیناست.

نیروهای مسلح»، «اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها»، «نصب و عزل و قبول استعفاء فقهای شورای نگهبان، عالی‌ترین مقام قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، همچنین سایر وظایف ایشان شامل: «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه»، «حل معضلات نظام که از طُرُق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام»، «امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم»، «عزل رئیس‌جمهور»، «عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه». رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

در مقدمه قانون اساسی نیز در خصوص ولایت فقیه عادل آمده است: «بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الأمور بید العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.»

روایاتی نیز در رابطه با این اصول مطرح است که می‌توان گفت اصول حاکم بر قانون اساسی ناظر به معارف مهم نهفته در آیات و روایات یادشده است.^{۱۹}

امیرالمؤمنین علی (ع): خداوند بر پیشوایان دادگر مقرر فرموده که خود را در معیشت با مردم تنگدست برابر دارند تا بینوایی را رنج بینوایی به هیجان نیاورد و موجب هلاکتش شود. (نهج‌البلاغه/خطبه ۹۰۲)
امیرالمؤمنین علی (ع) به نقل از حضرت امام حسین (ع): باید احکام و قوانین خدا به دست عالمانی باشد که امین بر حلال و حرام خدا باشند. (تحف العقول)
(نهج‌اللاغه، حکمت ۱۱۰)

شما دانسته‌اید، که سزاوار نیست کسی که بر ناموس‌ها و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت دارد و پیشوایی مسلمانان بر عهده اوست، مردی بخیل و تنگ چشم باشد، تا در خوردن اموالشان حریص شود و نیز، والی نباید نادان باشد تا مردم را با نادانی خود گمراه سازد و نباید که ستمکار باشد تا وظیفه روزی آنان را ببرد و نباید از گردش ایام بترسد تا گروهی را همواره بر گروه دیگر برتری دهد، و نه کسی، که در داوری رشوه می‌ستاند، تا رشوه گیرنده حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید. و نه کسی، که سنت را فرومی‌گذارد تا امت را به هلاکت اندازد. (نهج‌البلاغه/خطبه ۱۳)

قال رسول الله (ص): هیچ اُمتی هیچ‌گاه امرش را به مردی نسپرده و زمام امورش را به فردی نداده است، در حالی که در میان آن جماعت، اعلم از او بوده باشد؛ مگر اینکه همیشه امر امت آن به سوی تباهی و خرابی و فساد می‌رود؛ تا زمانی که از این کار برگردند و زمام امر خود را از دست غیر اعلم گرفته، به دست اعلم بسپارند. (سلیم بن قیس، ص ۸)

امام علی علیه السلام: ... اما اندوه و تأسف من از این است که بی‌خردان و ناپاکان، کار این امت را به دست گیرند و مال خدا را دست‌به‌دست گردانند و بندگان او را، به بندگی خود گیرند و با صالحان بستیزند و با فاسقان همراه شوند. (نهج‌البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه ۲۶)

هـ- قانون اساسی، نظام اجرایی و امور استان‌ها

یکی از دغدغه‌های مهم تدوین‌کنندگان قانون اساسی ناظر به برقراری عدالت و کاهش تبعیض‌ها بوده است و در بخش‌های مختلف این قانون می‌توان این مسئله را درک نمود. به همین منظور تشکیل شورای عالی استان‌ها، نحوه تشکیل و وظایف آن مورد نظر قرار گرفته است. همان‌گونه که ذکر شد، در سه اصل فوق، کشور بر پایه آرای عمومی اداره می‌شود و مسئولین اصلی کشور نیز توسط مردم انتخاب می‌شوند. در این زمینه می‌توان به اصل «۱۰۱»، «۱۰۲» و «۱۰۳» توجه نمود.

«به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن‌ها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.» (اصل ۱۰۱ ق.ا) همچنین «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.» (اصل ۱۰۲ ق.ا) «استانداران، فرمانداران، بخش‌داران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند.» (اصل ۱۰۳ ق.ا)

شورای عالی استان‌ها، در نظام سلسله مراتب، عالی‌ترین شورای محلی محسوب می‌شود که از طریق انتخابات غیرمستقیم شش درجه‌ای تشکیل می‌شود و در موقعیت جغرافیایی کشور هم‌سطح با مجلس شورای اسلامی متجلی می‌شود. (هاشمی، ۱۳۹۱) این شورا از نمایندگان منتخب شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود و هر یک از شوراهای استان‌ها یک نماینده در آن خواهد داشت. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰) وظایف و اختیارات شورا به طور کلی عبارت است از: نظارت و هماهنگی امور شوراها، تهیه و تقدیم طرح‌های قانونی و ارتباط شوراها با دستگاه‌های اجرایی (ساعد و کیل و عسکری، ۱۳۸۸).

و- نظام اجرای امور فرهنگی و قانون اساسی

امیرالمؤمنین علی (ع): فرمان خدا را بر پای ندارد مگر آنکه، در اجرای حق مدارا نکند و در برابر باطل فروتنی ننماید و از پی مطامع خود نرود.

پیامبر اسلام (ص): هرگاه فرمان‌گذاران شما نیکان شما باشند، و توانگران شما سزاوارتمندان شما، و هر کارتان با شورای همه شما باشد روی زمین برایتان بهتر است از درونش. و هر گاه فرمان‌گذاران بدان شما باشند، و توانگران بخیل‌های شما، و کارهای شما به دست زنانان افتد بهتر است که شما هم به زیر خاک باشید. مرگ برای شما بهتر از زندگی است.

(به خاطر بیاورید) هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود، و او به‌خوبی از عهده آزمایش برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم، ابراهیم عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته این مقام‌اند).

بنا بر اصل هشتم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند». همان‌طور که مشاهده می‌شود در این اصل امر به معروف و نهی از منکر که در معارف دینی^{۲۰} نیز به طور مؤکد مورد توجه قرار گرفته است، مورد اشاره قرار گرفته است.

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی است. مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دارند.

اصل دهم نیز با اشاره به بنیادی‌ترین واحد جامعه بیان می‌دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».^{۲۱}

از نظر اسلام، خانواده اولین کانون بنیادی جامعه است، ارتباط زن و مرد بر اساس ازدواج، لازمه استمرار حیات است، تشکیل خانواده و پرورش فرزندان صالح از تکالیف مهم اسلامی است^{۲۲}، تصویب قانونی که ارکان خانواده را متزلزل

۲۰. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنان‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. (توبه/۷۱)

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. (آل عمران/۱۰۴)

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسق‌اند. (آل عمران/۱۱۰)

۲۲. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

سازد ولو اینکه از ابعاد دیگر مفید باشد با قانون اساسی مغایر است. خانواده بیش از آنکه یک سازمان حقوقی محسوب شود یک نهاد اجتماعی و ممتاز است. به همین جهت نیز مفهوم آن تابع نظام سیاسی جامعه است. همچنین خانواده در حفظ اقتدار و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

ز- مقام اجرایی و قانون اساسی

با توجه به اینکه رئیس‌جمهور، ریاست هیئت وزیران را نیز بر عهده دارد، نظام جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نظامی دو رکنی (رهبری و ریاست جمهوری) دانست. (ساعد و کیل و عسکری، ۱۳۸۸) در نظام‌های مردمی و مبتنی بر تفکیک قوا، اعمال قوه مجریه در محدوده نظارت نهادهای مردمی همچون قوه مقننه قرار دارد اما به لحاظ عملی به علت برخورداری این قوه از امکانات قابل توجه در اجرای امور این قوه، یک قوه با اقتدار و مستعد فشار است. (هاشمی، ۱۳۹۰) در همین راستا قوه مجریه اختیار هدایت ملت یا سیاستگذاری و برنامه‌ریزی عمومی را نیز بر عهده دارد.

«اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است.» (اصل ۶۰ ق.ا) «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.» (اصل ۱۱۳ ق.ا) رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است. (اصل ۱۲۲ ق.ا) رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. (اصل ۱۲۳ ق.ا) رئیس‌جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت. (اصل ۱۲۴ ق.ا)

ح- وظایف اجرایی و قانون اساسی

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است. (اصل ۱۲۵ ق.ا) رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آن‌ها را به عهده دیگری بگذارد. (اصل ۱۲۶ ق.ا) رئیس‌جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیئت وزیران خواهد بود. سفیران به پیشنهاد وزیر امور

و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند. (روم / ۲۱)



خارج و تصویب رئیس‌جمهور تعیین می‌شوند. رئیس‌جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد. (اصل ۱۲۸ ق.ا)

سفیران هر کشوری نقش رئیس کشور را در خارج ایفا می‌کنند و وظایف وی را بر عهده دارند، که یکی از این وظایف حفظ حقوق اتباع در خارج از کشور است، بنابراین باید در انتخاب آن‌ها دقت کامل به عمل آید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۷) تصویب سفیران اعزامی از طرف رئیس‌جمهور بدان معناست که آنان مأموریت‌های محوله خود در خارج از کشور را تحت نظر و ریاست رئیس‌جمهور و با در نظر گرفتن مصالح عالیه دولت متبوع نزد ریاست کشور میزبان انجام می‌دهند و پذیرش سفیران کشورهای دیگر توسط این مقام بدان منظور است که وی به عنوان عالی‌ترین مقام برقراری روابط خارجی و مسئول حفظ مصالح ملی اقدام می‌کند.

از سویی، بنا بر قانون اساسی اعطای نشانه‌ای دولتی با رئیس‌جمهور است. (اصل ۱۲۹ ق.ا) وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند. (اصل ۱۳۳ ق.ا) ریاست هیئت وزیران با رئیس‌جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس‌جمهور اتخاذ می‌شود لازم الاجرا است. رئیس‌جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است. (اصل ۱۳۴ ق.ا) رئیس‌جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند. (اصل ۱۳۶ ق.ا) هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس‌جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست. (اصل ۱۳۷ ق.ا) علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم

۲۳

لشکرها، به فرمان خدا دژهای استوار برای ملت و زینت و سرافرازی رهبران و والیان هستند و سبب عزت دین به و امنیت راه‌ها می‌باشند. کار ملت جز به آنها پایدار نمی‌شود. (نهج البلاغه/نامه ۳۵)

امام علی (ع) خطاب به مالک فرمودند: در کار کارگزاران بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها. و بی مشورت دیگران به کارشان مگمار، زیرا به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است. کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربه و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آنها که در اسالم سابقه‌ای دیرین دارند. اینان به اخلاق شایسته‌ترند و آبروی‌شان محفوظ‌تر است و از طمعکاری بیشتر رویگردان‌اند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند. (نهج البلاغه/ نامه ۳۵)

سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس‌جمهور لازم الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آن‌ها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد. (اصل ۱۳۸ ق. ا)

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. (اصل ۱۳۹ ق. ا) ۲۴

بحث و نتیجه گیری

در خصوص روش‌ها و مکاتب تفسیر قانون اساسی و رویکردهای تفسیر این قانون در ادبیات حقوق اساسی به‌ویژه در چند دهه اخیر فراوان گفته شده است. کلی بودن، انتزاعی بودن و صبغه اخلاقی بسیاری از مفاد قانون اساسی در

۲۴. وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

و اموالتان را که خدا مایه قوام و برپایی [زندگی] شما گردانیده به سبک مغزان ندهید، ولی آنان را از درآمد آن بخورانید و لباس بپوشانید و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گوید. (نساء/۵)

حضرت علی (ع) در پاسخ به عبدالله بن زمعه که در ایام خلافتش نزد او آمد و مالی طلبید چنین فرمود: این مال نه از آن من است و نه از آن تو، غنیمت جنگی همه مسلمانان است اندوخته ای که شمشیرهایشان اندوخته. اگر با ایشان در کارزار شرکت کنی تو را نیز بهره‌ای است همانند ایشان و گر نه، چیزی که مستحق آن نیستی از آن تو نخواهد بود. (نهج‌البلاغه / خطبه ۲۳۲)

حضرت علی (ع): سوگند به خدا اگر بخشیده عثمان (زمین‌هایی که در زمان عثمان به ناحق از بیت‌المال بخشیده شده) را ببیم به مالک آن بازگردانم اگر چه از آن زنها شوهر داده و کنیزان خریده شده باشد، زیرا در عدل و درستی (برای مردم در امر دین و دنیا) وسعت و گشایشی است و برای کسی که عدالت را برنمی‌تابد، تحمل ستم و ظلم گران‌تر خواهد بود. (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۵)

زمره آن دسته از ویژگی‌های قانون اساسی است که موجب بروز ابهام و پیچیدگی هنگام تطبیق چنین مفادی با مصادیق عینی در عرصه عمل خواهد شد.

از سویی، تتبع در منابع حقوقی مرتبط به‌ویژه منابع فارسی نشان از خلأ روش‌های تفسیر قانون خصوصاً قانون اساسی است. همان‌گونه که در این مقاله به تشریح اشاره شده است، اصول قانون اساسی در حوزه اجرایی با نگاهی شفاف و دقیق مسئولیت‌های اجرائی کشور را تعیین و تقسیم کرده است. اصول مبنایی در این حوزه همگی مستند به آیات و روایات هستند و برآمده از منابع اسلامی و متناسب با ساختارها و شرایط جامعه اسلامی ایران تدوین شده‌اند. در اولین اصول نوع حکومت و منابع قانون اساسی کشور مورد اشاره قرار گرفته است. در اصول بعدی، نظام اجرائی کشور و قوانین مرتبط با مسئولیت‌ها و تقسیم وظایف آورده شده است.

طبق سؤالات این پژوهش، اصول اجرایی مهم حاکم بر قانون اساسی مورد بحث و تحلیل قرار گرفت و تطبیق این اصول با متون دینی نشان از روش‌شناسی قوی آن بر مبنای اصول حقوقی حاکم بر شرع مقدس اسلام و خصوصاً مذهب تشیع است.

با توجه به اینکه در خصوص روش‌های تفسیر قانون اساسی و همچنین روش‌شناسی آن به لحاظ نظری خلأ زیادی وجود دارد؛ فلذا با توجه به معارف عمیق حاکم بر قرآن مجید و روایات مختلف، می‌توان با بسط تفاسیر و بهره‌گیری از علوم حدیث، در تفسیر این قوانین نیز تلاش لازم را به انجام رساند.

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

ارسطا، محمدجواد و بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۳). حکومت اسلامی معیار تشخیص و شاخصه‌های عملی. فصلنامه دانش حقوق عمومی (بررسی‌های حقوق عمومی سابق) شماره ۷.

بهادری جهرمی (۱۳۹۵). جایگاه حقوقی تفسیر رسمی قانون اساسی در مقایسه با متن قانون اساسی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۲(۱۴)، ۴۷-۶۷.

جعفری تبار، حسن (۱۳۸۳). مبانی فلسفی تفسیر حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

حیاتی، علی عباس (۱۳۹۷). مفهوم «اصل حقوقی» و مقایسه آن با «قاعده حقوقی» (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه). دو فصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۷(۲)، ۴۴-۲۹.

دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۵). قدرت مؤسس؛ کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن، تهران، نشر شهر دانش.